



amine.mardom@yahoo.com



aminnewsagency

قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

روزنامه سراسری و کثیرالانتشار صبح ایران



aminnewspaper1376



www.aminnews.ir



ترامپ برای جنگ

با ایران
PDF Compressor Free Version
برنامه روشنی ندارد



جای خالی
مذاکره کننده
خوب!



شنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۴ / ۱۸ شعبان ۱۴۴۷ هـ. ق / 7 / 2026 February / شماره ۷۱۷۲ / سال بیست و هشتم

« بین الملل ۳

اگر ایران سلاح هسته‌ای داشته باشد، همه به‌دنبال آن خواهند بود

« کار و تعاون ۴

افزایش دستمزد باید چندمرحله‌ای باشد

« آذربایجان ۵

"مصائب مقبره الشعراء" و هشدارهایی که شنیده نشد!

« کودک ۶

نجات نوجوانان از اضطراب سیاسی

« استان ها ۷

سرمایه‌گذاری ۲۳۰ هزار میلیاردی صنعتی در سال جاری در گیلان

« ورزش ۸

کامبک نفس‌گیر تیم ملی فوتبال ایران برابر عراق

یوزها به فینال رسیدند

«

وطن ما کجاست؟

تا کسانی که از آنها خوششان نمی‌آمد، کمی سرچایشان بنشینند.

نمی‌توان دست از اندیشیدن به این واقعیت برداشت که چه بسا، بسیاری از کسانی که ماه گذشته در جریان اعتراضات ایران کشته شدند، کسانی بودند که تابستان گذشته از جمهوری اسلامی به نام دفاع از وطن حمایت کردند. شاید آنها به خانواده‌ها و آشنایانشان در میانه‌ی زندگی می‌کنند، هیچ برای او مهم نباشد. وقتی از وطن سخن می‌گوییم از امید و آرزویی جمعی برای بهروزی سخن می‌گوییم. شاید مردمی که در یک کشور زندگی می‌کنند هیچ گاه نتوانند با یکدیگر بر سر اینکه کدام راه می‌تواند آنها را به سعادت برساند، با یکدیگر هم رای شوند، شاید آنها منافع خویش را در تعارض با منافع هم وطنانشان ببینند، شاید از اسم وطن برای سرکوب صدای مخالف استفاده کنند، اما هرچه باشد، باید دانست که همه‌ی ما در سرنوشت این کشور سهیم هستیم. شاید به یک اندازه، حق اظهار نظر نداشته باشیم، شاید برخی بگویند دموکراسی بد است و همه‌کس نباید حق رای داشته باشند بلکه نخبگان یک کشور باید تصمیم‌گیرنده باشند، اما هرچه که باشد، همه‌ی ما عواقب یک تصمیم‌واحد را در زندگی فردی خود تجربه خواهیم کرد. هرچند چنین نیست که اگر کشور دچار بحران شود، همه‌ی ما فقیر و فقیرتر شویم. اتفاقا بعضی در چنین زمان‌هایی، ثروتمند تر می‌شوند. با این حساب، هم وطن کیست؟ آیا همه‌کس هم وطن من هستند و من باید صرفا به این دلیل که آنها هم وطن من هستند، به هر بیگانه‌ای ترجیح‌شان دهم؟

در این کشور نیز مانند هر کشوری در دنیا، درد و قاتل و متجاوز پیدا می‌شود و اینها بهتر یا بدتر از قاتلان و متجاوزانی با ملیت‌های دیگر نیستند بلکه همه به یک اندازه قاتل و متجاوزند و نمی‌توان صرفا چون آنها هم وطن ما هستند، قتل و تجاوزشان را توجیه کرد یا آن را نادیده گرفت. اتفاقات این چنینی وقتی در وطن خودمان می‌افتند، خیلی بیشتر از رویدادهای مشابه در سایر نقاط جهان ما را متأثر می‌کنند. وقتی پدری فرزندش را می‌کشد، اگر این اتفاق در ایران رخ داده باشد، خشم و نفرتی بزرگ در میان ایرانیان به وجود می‌آورد، بسیار بیشتر از هنگامی که قتلی مشابه در کشوری دیگر رخ می‌دهد، حتی در کشورهایی که روزی، بخشی از ایران بوده‌اند، اما نباید فراموش کرد که وقتی معترضان جمهوری اسلامی که هم وطن هستند و نه بیگانه، در خیابان کشته می‌شوند، همه‌ی ایرانی‌ها ناراحت نمی‌شوند. بعضی از هم وطنان ما شاید حتی خوشحال شوند که فرصتی به وجود آمده است

* عاطفه پیرایش دانشجوی دکتری فلسفه

وطن صرفا مرزهای توافقی بین کشورها نیست و از این رو پاسداری از وطن، صرفا به معنای تثبیت مرزها نیست. وطن همه‌ی کسانی است که درون این مرزهای مشترک زاده می‌شوند و زندگی می‌کنند. چگونه کسی می‌تواند مدعی باشد که حافظ وطن است، اما جان کسانی که در این وطن زندگی می‌کنند، هیچ برای او مهم نباشد. وقتی از وطن سخن می‌گوییم از امید و آرزویی جمعی برای بهروزی سخن می‌گوییم. شاید مردمی که در یک کشور زندگی می‌کنند هیچ گاه نتوانند با یکدیگر بر سر اینکه کدام راه می‌تواند آنها را به سعادت برساند، با یکدیگر هم رای شوند، شاید آنها منافع خویش را در تعارض با منافع هم وطنانشان ببینند، شاید از اسم وطن برای سرکوب صدای مخالف استفاده کنند، اما هرچه باشد، باید دانست که همه‌ی ما در سرنوشت این کشور سهیم هستیم. شاید به یک اندازه، حق اظهار نظر نداشته باشیم، شاید برخی بگویند دموکراسی بد است و همه‌کس نباید حق رای داشته باشند بلکه نخبگان یک کشور باید تصمیم‌گیرنده باشند، اما هرچه که باشد، همه‌ی ما عواقب یک تصمیم‌واحد را در زندگی فردی خود تجربه خواهیم کرد. هرچند چنین نیست که اگر کشور دچار بحران شود، همه‌ی ما فقیر و فقیرتر شویم. اتفاقا بعضی در چنین زمان‌هایی، ثروتمند تر می‌شوند. با این حساب، هم وطن کیست؟ آیا همه‌کس هم وطن من هستند و من باید صرفا به این دلیل که آنها هم وطن من هستند، به هر بیگانه‌ای ترجیح‌شان دهم؟

در این کشور نیز مانند هر کشوری در دنیا، درد و قاتل و متجاوز پیدا می‌شود و اینها بهتر یا بدتر از قاتلان و متجاوزانی با ملیت‌های دیگر نیستند بلکه همه به یک اندازه قاتل و متجاوزند و نمی‌توان صرفا چون آنها هم وطن ما هستند، قتل و تجاوزشان را توجیه کرد یا آن را نادیده گرفت. اتفاقات این چنینی وقتی در وطن خودمان می‌افتند، خیلی بیشتر از رویدادهای مشابه در سایر نقاط جهان ما را متأثر می‌کنند. وقتی پدری فرزندش را می‌کشد، اگر این اتفاق در ایران رخ داده باشد، خشم و نفرتی بزرگ در میان ایرانیان به وجود می‌آورد، بسیار بیشتر از هنگامی که قتلی مشابه در کشوری دیگر رخ می‌دهد، حتی در کشورهایی که روزی، بخشی از ایران بوده‌اند، اما نباید فراموش کرد که وقتی معترضان جمهوری اسلامی که هم وطن هستند و نه بیگانه، در خیابان کشته می‌شوند، همه‌ی ایرانی‌ها ناراحت نمی‌شوند. بعضی از هم وطنان ما شاید حتی خوشحال شوند که فرصتی به وجود آمده است

جنگی اتفاق نمی‌افتد



طراحی و نزدیکی باورنکردنی که میان واشنگتن و تل‌آویو برقرار شده را از دست ندهد و به هر شکل ممکن آمریکا را به رویارویی با ایران هل بدهد. وی با طرح این پرسش که چرا ایران با وجود ۴۷ سال استکبارستیزی و شعار «امرگ بر آمریکا» تمایلی به جنگ با آمریکا ندارد، تصریح کرد: شعارها و مانورهای سیاسی را که کنار بگذاریم، باید بگوییم در چنین جنگی هیچ پیروزی نهایی برای ایران وجود ندارد و حداکثر نتیجه، تلفات گرفتن از طرف مقابل، شلیک موشک‌ها به اسرائیل با اصابت درصد مشخصی از آن‌هاست که به نابودی بخش‌هایی از اسرائیل و کشته‌شدن شماری از آنان منجر شود. زیباکلام ادامه داد: اقدام دیگر ایران – اگر وضعیت به‌جایی برسد که مجبور به انجامش شود – این است که پایگاه‌های آمریکا در کشورهای عربی منطقه را هدف قرار دهد و به ناوگان آمریکا حمله کند. در این صورت تلفاتی هم به آنان وارد کرده و به پایگاه‌های آنان در قطر، عربستان سعودی و دیگر کشورهای منطقه آسیب زده است.

استاد بازنشسته علوم سیاسی دانشگاه تهران افزود: بعد از این حملات ایران نوبت تلافی و حمله طرف مقابل است که خسارات فراوانی برجا خواهد گذاشت و می‌تواند ضرباتی به

«

بوده‌اند، با این وجود ترجیح داده‌اند به جای صحبت کردن در مورد جان‌های از دست رفته کسانی که هر چند با جمهوری اسلامی همراه نبودند اما ایرانی بودند و حق حیات در این کشور داشته‌اند، خبر آتش گرفتن بانک‌ها و اتوبوس‌ها را به مثابه‌ی بدترین اتفاقی که در این دو شب رخ داده است، برجسته‌کنند. در این میان، رسانه‌های حکومتی به‌طور مداوم از اصطلاح "کشته‌سازی" استفاده می‌کردند تا

استاد بازنشسته علوم سیاسی دانشگاه تهران با بیان اینکه کم‌نیستند کسانی که در حاکمیت حضور دارند و نمی‌خواهند وضعیت فعلی اقتصادی ایران ادامه یابد، اظهار کرد: مذاکرات روز جمعه به نتایجی خواهد رسید، چراکه هیچ‌کدام از طرفین نمی‌خواهد وارد جنگ شوند. صادق زیباکلام در گفت‌وگو با اشاره به تحولات منطقه و ارزیابی‌اش از دستور رئیس‌جمهوری به وزارت خارجه برای مذاکره با آمریکا در چارچوب منافع ملی، تصریح کرد: جنگ میان ایران و آمریکا اتفاق نخواهد افتاد؛ اولین و مهمترین دلایل این است که نه ایران می‌خواهد وارد جنگ شود و نه ترامپ اصرار داد با ایران بجنگد.

وی یادآور شد: چند روز پیش در توییتهای استهن‌آمیز نوشتم دوست مریخی من می‌خواهد گزارشی برای پادشاه سیاره‌اش آماده کند تا نشان دهد کدام بخش جمهوری اسلامی برای ترامپ مایه وحشت شده که به این نتیجه برسد جز حمله به ایران چاره‌ای ندارد و هرچه نگاه کرد، دید هیچ بخشی از جمهوری اسلامی خواب راحت را از چشمان ترامپ نگرفته که به‌سرعت با ایران وارد جنگ شود!استاد بازنشسته علوم سیاسی دانشگاه تهران با طرح این پرسش که چه کسانی می‌خواهند ایران و آمریکا وارد جنگ شوند، تصریح کرد: اول از همه براندازان و اپوزیسیون و در رأس آنان رضا پهلوی به‌دنبال جنگ هستند؛ از این بین، آنان که مذهبی هستند نذر کرده‌اند و آنان که اهل مذهب نیستند آرزو دارند این حمله رخ دهد چون تصور می‌کنند اگر آمریکا حمله کند مردم به خیابان می‌آیند و جمهوری اسلامی سرنگون می‌شود. زیباکلام ادامه داد: آنان چنان به این حمله امیدوارند که توجه ندارند ترامپ آدمی اهل معامله است و در زمینه اقداماتش مشورت و اندیشه می‌کند و هیچ دلیلی وجود ندارد که برای خودش چاره‌ای جز حمله به ایران در نظر نگیرد. پژوهشگر تاریخ و علوم سیاسی با بیان اینکه نتایج و اسرائیل دومین طرفدار جنگ ایران و آمریکاست، اظهار کرد: نتایج‌ها می‌خواهد فرصت

«

بوده‌اند، با این وجود ترجیح داده‌اند به جای صحبت کردن در مورد جان‌های از دست رفته کسانی که هر چند با جمهوری اسلامی همراه نبودند اما ایرانی بودند و حق حیات در این کشور داشته‌اند، خبر آتش گرفتن بانک‌ها و اتوبوس‌ها را به مثابه‌ی بدترین اتفاقی که در این دو شب رخ داده است، برجسته‌کنند. در این میان، رسانه‌های حکومتی به‌طور مداوم از اصطلاح "کشته‌سازی" استفاده می‌کردند تا

« یادداشت

قهر برای کنار مردم بودن؟!

نسیه پیرایش

این روزها اگر چه جامعه تحت تأثیر اعتراضات مصادره‌شده‌ی دی ماه است و سایه جنگ بیش از هر زمان دیگری بر سرمان سنگینی می‌کند اما دولت تصمیم گرفته تمام جشنواره‌های هنری فجر به روال سال‌های قبل برگزار شود. در این میان دو دستگی در میان هنرمندان بیش از هر زمان دیگری خودنمایی می‌کند. به خصوص در جشنواره فیلم فجر که گل سر سبد جشنواره‌ها است.

در میان هنرمندانی که در کشور هستند و جلای وطن نکرده‌اند، عده‌ای معتقدند که تنها با تحریم جشنواره و عدم حضور در آن می‌توان کنار مردم معترض ایستاد و صدای آنان بود. مثل هومن سیدی که در واکنش به شرایط اخیر کشور و حضور برخی هنرمندان در جشنواره فیلم فجر، پستی در صفحه اینستاگرام خود منتشر و تأکید کرده که هیچ جشنواره، تندیس یا دیده‌شدنی ارزش ایستادن روی سکوت و عبور از جان انسان را ندارد و دیده‌شدن زمانی معنا دارد که همراه با توجه به انسان و رنج او باشد. او نوشت: «سینما وقتی کنار انسان می‌ایستد معنا دارد؛ وقتی از روی او رد می‌شود، دیگر فقط یک تصویر بی‌ارزش است.»

این هنرمند همچنین خاطرنشان کرده که اعتبار هنرمند از ایستادن او در برابر حقیقت و ارزش‌ها ناشی می‌شود، نه از جایی که دعوت شده و هیچ سکویی نمی‌تواند سایه‌ای بر جان انسان بیندازد. سیدی در پایان افزوده که هنر بدون جرأت گفتن «نه» تنها تزئین وضع موجود است و هیچ قاب طلایی نمی‌تواند سکوت در برابر خون را قاب بگیرد.

در مقابل اما عده‌ای معتقدند که راه حل بحران، تحریم نیست. مثل علیرضا معتمدی کارگردان فیلم «دختر‌پری‌خانوم» که پس از سال‌ها دوری از سینما، امسال در جشنواره حضور دارد و در نشست خبری فیلمش با بیان اینکه جامعه به نقطه‌ای از بی‌چاره بودن رسیده که تصور می‌کند راه نجاتی در پیش نیست، افزود: «من با احترام به همه نظرها، این‌طور فکر نمی‌کنم. معتقدم باید از همه روزنه‌ها، امکانات و واقعیت‌های موجود استفاده کرد، حتی اگر مسیر طولانی و پیچیده باشد.» او جشنواره فیلم فجر را نه صرفا محل داوری، بلکه «نمایشگاه تخصصی سینما» توصیف کرد و گفت: «جشنواره فیلم فجر همچنان یکی از معدود فرصت‌های موجود برای نمایش فیلم، تدارم تولید و ارتباط با مخاطب و بدنه سینما هستند.»

البته این دو دستگی تنها در میان هنرمندان داخل کشور نیست و در خارج از کشور هم هنرمندان دو دسته‌اند. هنرمندانی که سفت و سخت در مقابل نظام جمهوری اسلامی ایستاده‌اند و حتی آمریکا را تشویق به حمله به کشور می‌کنند و هر گونه مخالفتی را به بدترین شکل ممکن با فحاشی و توهین پاسخ می‌دهند و هنرمندانی که مخالف دخالت خارجی در امور کشور هستند و معتقدند که مردم باید تصمیم‌گیرنده نهایی در مورد نحوه اداره کشور باشند. مثل گلشیفته فراهانی که در مصاحبه‌هایش گفته: «ترامپ ایران را برای تسویه بدهی‌هایش می‌خواهد.»

فراهانی در واقع به این دو گانه اشاره کرده که میان فشار خارجی و سرنوشت واقعی مردم فاصله‌ای جدی وجود دارد، فاصله‌ای که اغلب در تحلیل‌های سیاسی نادیده گرفته می‌شود. اما همین جملات کافی بود تا هدف توهین و فحاشی سلطنت‌طلبان و موافقان حمله‌ی آمریکا، قرار بگیرد.

البته این اوضاع و احوال تنها مختص هنرمندان نیست و متأسفانه کم و بیش در جای جای جامعه دیده می‌شود. اوضاعی که دلسوزان خیلی پیش از این‌ها نسبت به آن هشدار می‌دادند اما کم‌لطفی و بی‌توجهی مدیران و فرصت‌طلبی دشمنان این دو دستگی را بیشتر کرد و حالا در این شرایط بغرنج تاریخی، کشور بیش از همه از این ناحیه ضربه می‌خورد.

در هر حال اما با کمی درایت می‌توان همه وطن‌دوستان ایرانی را زیر نام واحد ایران گرد هم آورد و بیشتر از این اجازه سوء استفاده از اوضاع را به دشمنان و براندازان نداد.